

بخشی از نطق مدرس، چهارشنبه ۸ مرداد ۱۳۰۰ ه.ش. (۳۰ جولای ۱۹۲۱، ۲۴ ذولقعدة ۱۳۳۹)

... آقایان ملتفت هستند بعضی انتخابات و اشخاص بد می باشند. ولیکن باید حکومت به حق کرد. نصرت الدوله پسر فرمانفرما مطرح مذاکره است نه مسئله ی انتخابات. والا انتخابات پنج ساله با سیاست های مختلفه و دولت های مختلفه بد است. من می بینم و حس می کنم که آقای نصرت الدوله را بعضی قابل مجلس شورای ملی نمی دانند. خیلی تقدیس می کنم برای اینکه آقایان بعد از دو سال حالا رفیق بنده شده اند. چون زحماتی کشیده ام، تعرض شخصی به خارجی کرده ام یک کمک لایحه ای با من نکردند و امروز آمده اند رفیق من شده اند. خدا توفیق به ایشان بدهد و احساسات را در ملت ایران زیاد کند که امثال آقای وثوق الدوله و نصرت الدوله را ملت ایران بد بدانند. ولیکن یک مسئله می خواهم در این مجلس عرض کنم و به انصاف و عدل و دیانت آقایان محول کنم. یک اشخاصی رنگ پیدا کردند. آمدند و گفتند عقیده ما تمایل به سیاست انگلیس است. شاید یکی پیدا شود و بگوید عقیده سیاسی من روس است. بر ضد او هستیم. ایرانی مسلمان باید مسلمان و ایرانی باشد. نصرت الدوله آن روزی قابل مجلس نبود یا نصرت الدوله امروزی که فرضاً دروغی می گوید من تمایل به انگلیس را رها کرده ام. من عقیده دارم که نصرت الدوله سابق رنگ دار بد است نه نصرت الدوله امروزی. دیانت و مملکت خواهی به من حکم می کند که ولو این اظهار غیر واقع باشد، من او را قبول کنم. حالا که این حرف را می زند بگویم ما ترا قبول نمی کنیم؟ ملت تو را قبول نخواهد کرد؟ موافقین قرارداد که هجده نفر از آنها اعضاء این مجلس هستند، این محکمه باید رسیدگی کند. و هر کدام تقصیر کرده اند باید مجازات کند و اگر پول گرفته اند از ایشان استرداد نماید تا عبرت شود. نصرت الدوله موافق قرارداد را باید با نصرت الدوله امروزی باید فرق گذاشت. این اشخاص که در آن سیاست شرکت داشتند و حالا اعتراف به خبط خود می کنند و می گویند این رنگ سیاست را رها کردیم و تابع سیاست بی طرفی ایران هستیم، من که یک نفر هستم، صدای خودم را به شرق و غرب و شمال و جنوب ایران و به خارجه های همسایه و غیر همسایه می رسانم و می گویم مدت ها نصرت الدوله تمایل اختیار کرده، حالیه که بی طرفی اختیار می کند من او را قبول دارم. ملت ایران با من هم عقیده خواهند بود. می گویم نصرت الدوله سال ها قیل خودش را [به انگلیسی ها] چسباند. الان می گوید من خطا کردم. یا راست می گوید یا دروغ. من می باید بگویم تو راست می گویی و تو که الان تمایل کردی و خودت را می خواهی ایرانی و ایران خواه معرفی کنی، ما قبول می کنیم. اگر خدای نخواستہ باز رنگ پیدا کرد ما همانیم که بودیم. مخالفت با کابینه وثوق الدوله کردیم. ملت فقیر بیچاره هم با کمال ضعف قوا و بی چیزی و نفاقت بالاخره او را دربر کرد.